

بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی

محمود آخرتی*

الله آهنگری**

محمد طحان***

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه زنان روستایی شهرستان زیرکوه در سال ۱۳۹۶ بود (بر اساس آخرین آمارها ۱۹۷۳۷ نفر)؛ که از بین آنها تعداد ۳۵۸ نفر، با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. طرح پژوهش از نوع توصیفی - مقایسه‌ای بود. ابزار پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش موانع اشتغال زنان بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که بین زنان شاغل و خانه‌دار در موانع فرهنگی و اجتماعی ($P=0/003$)، موانع آموزشی مدیریتی ($P=0/048$) و موانع فنی ($P=0/001$) تفاوت معنی‌دار ولی در موانع اقتصادی ($P=0/999$)، موانع روان‌شناختی ($P=0/440$) و موانع سیاست‌گذاری ($P=0/084$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

کلید واژگان: اشتغال، موانع اشتغال و زنان روستایی، شهرستان زیرکوه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* مدرس دانشگاه، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، کاشمر، ایران.
** مدرس دانشگاه، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، کاشمر، ایران.
*** باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: t.mohammad2@gmail.com)

مقدمه

زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند (علیزاده، ۱۳۹۰). اشتغال زنان از شاخص‌های توسعه اجتماعی به شمار می‌رود «هر چه حضور فعال زنان در اداره امور اجتماعی بیشتر باشد، آن کشور از درجه توسعه یافتگی بیشتری برخوردار خواهد بود (حسین آبادی و عبداللهی، ۱۳۹۳). زنان خصوصاً زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه کشور دارند، به طوری که از جنبه اقتصادی، زنان روستایی تولیدکننده بیش از نیمی از تمام مواد غذایی هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود. زنان روستایی در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده‌سازی، نگهداری و فرایند مواد غذایی را بر عهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیه مواد غذایی، جمع‌آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند، به طوری که در چند سال اخیر، این نکته به خوبی روشن شده است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می‌آید و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار، بیش از سهم مردان است (عمادی، ۱۳۸۰).

در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود، برعکس دسترسی محدود یا برابر به فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شوند، از عمده‌ترین علل فقر است (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶). نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود یازده درصد و بر اساس برخی آمارهای غیررسمی، بالغ بر سیزده درصد است (علیزاده، ۱۳۹۰). بر اساس جدیدترین آمار فقط بیش از ۱۲ درصد از زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی در کشور سهم دارند که سهم اندکی است؛ در سال ۱۳۹۳، ۱۰/۸ درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ سال را بیکاران تشکیل دادند که از مجموع تعداد این بیکاران ۳۰/۴ درصد مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، ۶۱/۸ درصد مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال و ۷/۷ درصد مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۴ سال بوده است که این نسبت‌ها برای مردان به ترتیب ۳۰/۶ درصد، ۵۹/۵ درصد و ۹/۹ درصد و برای زنان ۳۰/۲ درصد، ۶۷/۱ درصد و ۲/۷ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

لذا از آنجا که روستاها نقش مهمی در توسعه کشورهای جهان سوم بازی می‌کنند، مهم‌ترین زمینه‌ای که می‌تواند موجب توسعه روستایی شود اشتغال زنان است (پوررجب، آزادمنش، محمدی، ۱۳۹۲). اما تحولات کنونی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا علیرغم پیامدهای مثبتی که جهت بهبود شرایط زیست در روستا داشته، اما این سبب گردیده تا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شود و زنان روستایی تولیدکننده سابق، تبدیل به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده شوند. این امر نه تنها پیامدهای منفی در عرصه اقتصاد به جای می‌گذارد، بلکه عملاً قشر فعال عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده و رشد اقتصاد ملی را نیز کند کرده است (دادورخانی، ۱۳۸۵). این افزایش نرخ بیکاری در روستاها خصوصاً در قشر زنان و جوانان باعث مشکلات بسیار زیادی مانند حاشیه‌نشینی، کاهش کیفیت زندگی، کمبود اشتغال، افزایش مهاجرت به شهرها و در نتیجه افزایش جرم و جنایت در شهرها شده است (نجفی کانی، حسام و آشور، ۱۳۹۳).

در خصوص مطالب فوق برخی تحقیقات صورت گرفته که مطالب فوق را تأیید می‌نماید از جمله آن‌ها می‌توان به تحقیقی روشن‌نیا، خادمی، کردی و صلحی فام اصل (۱۳۹۴) اشاره کرد. آن‌ها در تحقیقی با عنوان بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان به صورت مروری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سنت‌های رایج در فرهنگ‌های محلی تقسیم کار سنتی و اجباری را بر زنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت‌های بین زن و مرد به وسیله سنت‌های کهن نهادینه شده است. و با توجه به اینکه زنان روستایی نقش قابل توجهی در درآمد خانوارها دارند ولی درآمد آن‌ها هرگز در آمارهای محلی محاسبه نگردیده است. همچنین میرک‌زاده، علی‌آبادی و شمس (۱۳۸۹) در واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی معتقدند که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی بعد فرهنگی دارد. آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، اشتغال زنان به فعالیت سخت، تربیت فرزندان، بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان، عدم رضایت همسر برای حضور در برنامه‌های آموزشی - ترویجی و تمسخر و ایراد اهالی از مهم‌ترین عوامل مورد شناسایی در این مطالعه بود. غلامعلی‌زاده و رضایی مقدم (۱۳۸۸) در مطالعه چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، عواملی چون فرهنگ سنتی مردسالاری، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل و خارج در بنگاه‌های اقتصادی، عدم دسترسی مناسب به متخصصان باتجربه و به اجبار استفاده از نیروهای کم‌تجربه، به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در تعاونی‌ها معرفی می‌شوند. دادورخانی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، به بررسی این مسئله پرداخته است که چرا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شده است و زنان روستایی تولیدکننده پیشین، به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده تبدیل شده‌اند. این دگرگونی نه تنها پیامد منفی برای اقتصاد روستایی در برداشته، در عمل، قشر عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده است. از نظر او عوامل ایجادکننده این وضعیت در خانواده، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای اجتماعی است. ترکمانی و میرزایی (۱۳۷۸) با تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی همراه با دستمزد، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی از جمله دارایی شوهر، میزان دستمزد زن، تأثیر مثبت و عواملی مانند سن شوهر، میزان تحصیل زن، میزان مالکیت بر زمین‌های کشاورزی، تعداد فرزندان، فاصله تا شهر، فاصله تا مدرسه و میزان دستمزد شوهر تأثیر منفی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی دارد. آژاری^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان نقش زنان در توسعه کشاورزی کشور اندونزی نشان داد که عدم دسترسی زنان به سرمایه‌های تولیدی از موانع مشارکت زنان روستایی این کشور در فرایند توسعه است. دامیسا و یوهاننا^۲ (۲۰۰۷) در تحقیقی نشان داد که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در میزان مشارکت آنان در امور روستا مؤثر است. هوکتو و ایتوهارا^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی نقش مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان، نقش اساسی در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی دارد.

لذا با توجه به نقش زنان در توسعه کشور و با توجه به اینکه زنان روستایی شهرستان زیرکوه نیز از این موانع در دور نبودند و تا حدودی تحت تأثیر این موانع از عرصه اشتغال و تولید دور شده‌اند.

۱. Azahari

۲. Damisa & yohamma

۳. Hoque & itohara

همچنین تفاوت‌های جنسیتی، عدم دسترسی زنان به شغل مناسب و عدم ارتقای شغلی و ... بر اشتغال زنان این منطقه تأثیر گذاشته و بیشتر زنان به کارهای پنهان و نامرئی و بدون حقوق یا با حقوق کم گرایش پیدا کرده‌اند و همین باعث بروز مشکلاتی مانند کمبود اشتغال، بیکاری، مشکلات اقتصادی و فقر برای جمعیت زنان در این منطقه شده است، لذا هدف پژوهش حاضر بررسی مهم‌ترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش، توصیفی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان روستایی در سن فعالیت شهرستان زیرکوه بودند، بر اساس آخرین آمارها تعداد آن‌ها ۱۹۷۳۷ نفر بودند (آمار ایران، ۱۳۹۶).

جدول ۱. جمعیت فعالان در دهستان زیرکوه برحسب جنسیت

شغل	تعداد	درصد
کشاورزی	مرد	۴۴۳۴
	زن	۳۵۶۰
صنعت	مرد	۴۹۵۸
	زن	۷۵۰
خدمات	مرد	۹۷۱
	زن	۱۱۹۰

شهرستان زیرکوه با مساحتی حدود ۶۴۲۸ کیلومتر مربع در فاصله ۱۰۰ کیلومتری در شرق شهرستان قاینات قرار دارد. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی (بخش مرکزی، بخش زهان، بخش شاسکوه) می‌باشد و علاوه بر آن تعداد روستاهای مسکونی در این شهرستان ۱۰۵ روستا می‌باشد.

این منطقه به دلیل قرارگیری در شرایط آب و هوایی نسبتاً مناسب با دشت‌های هموار و حاصلخیز دارای شرایط مناسبی برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی وابسته به آن است، که این می‌تواند از نقاط قوت این شهرستان باشد. بنابراین فعالیت اقتصادی غالب در منطقه بر پایه کشاورزی است. کشت موفق محصولات، نظیر، گندم، جو، زعفران، انگور، انار، پسته، محصولات جالیزی (خریزه، طالبی، هندوانه و...) گیاهان صنعتی (چغندر قند، آفتابگردان، کنجد و...) شاهدهی بر این ادعاست. این برخورداری می‌تواند شرایط مناسبی را برای اشتغال زنان در سطح محلی و منطقه‌ای فراهم سازد، و زنان روستایی می‌توانند با نیروی کار خود علاوه بر تجهیز منابع مالی، به تأمین منابع غیرمالی در اقتصاد خانواده نیز کمک کنند، و نقش مهمی در توسعه اقتصادی منطقه داشته باشند اما با توجه به موانعی که ممکن است پیش روی زنان روستایی این شهرستان باشد و تا به امروز توجه کمتری به رفع این موانع شده و همین باعث بروز مشکلاتی مانند کمبود اشتغال، بیکاری، مشکلات اقتصادی و فقر برای جمعیت زنان در منطقه شده است.

حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مرگان ۳۷۷ نفر برآورد شد، که بعداً از اجرای پژوهش تعداد ۳۵۸ پرسشنامه واجد ملاک‌های لازم جهت تحلیل تشخیص داده شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.

روش اجرا

برای اجرای پژوهش ابتدا پرسشنامه پژوهش تهیه و به صورت مقدماتی اجرا و بازبینی شد. سپس با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای از بین تمام روستاهای شهرستان زیر کوه سه روستا به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله بعدی از هر روستا، ۱۲۶ نفر، به صورت در دسترس، انتخاب شدند. پرسشنامه‌ی پژوهش به صورت گروهی اجرا شد و در مرحله بعد اطلاعات با نرم افزار SPSS-۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

الف) پرسشنامه محقق ساخته موانع اشتغال: این پرسشنامه، در شش بعد موانع اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، آموزشی مدیریتی، روان شناختی، فنی و سیاست گذاری طراحی شده که مجموعاً ۳۱ گویه را شامل می شود (جدول ۲). پرسشنامه بر اساس ابعاد و متغیرهای تبیین کننده در قالب ۵ طیف ارزیابی شد.

جدول ۲. معرفی متغیرها و شاخص‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
روان شناختی	ناتوانی در مقابله با مشکلات و رویدادهای پیش‌بینی نشده، خستگی جسمی و روحی، پایین بودن سطح ریسک پذیری، صدمه زدن به سلامت
اقتصادی	نابرابری‌های دستمزدهای زنان، بهره کشی و استثمار توانمندی‌های زنان در عرصه کار، ناپایدار بودن فعالیت، و عدم تضمین آینده شغلی
آموزشی مدیریتی	تطابق شغل با مهارت و توانایی‌های زنان، کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی و کسب تعالی
فنی	مهارت پایین، کمبود آموزش و تخصص زنان، کمبود استفاده از امکانات تخصصی
سیاست گذاری	نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه؛ نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان
اجتماعی فرهنگی	ناامنی اجتماعی؛ محدودیت‌های اجتماعی؛ نگاه نه‌چندان مثبت به حضور زنان در خانواده؛ اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان؛ وابسته بودن زنان به نظرات همسر؛ عدم باور جامعه به توان زنان در امر اشتغال؛ نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان

اشغال زنان

نمره بالا در هر مقیاس نشان‌دهنده بیشتر بودن مشکل در آن حیطه می باشد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاهی تأیید گردید به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق، یک مطالعه راهنما در خارج نمونه مورد مطالعه با تعداد ۳۰ پرسشنامه ترتیب داده شد و پایایی کلی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹۵ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن ابزار پژوهش است و پایایی هر بعد به صورت مجزا در جدول ۳ گزارش شد: بعد اجتماعی- فرهنگی ۰/۷۶؛ بعد اقتصادی ۰/۸۳؛ بعد آموزشی مدیریتی ۰/۸۰؛ بعد روان شناختی ۰/۷۸؛ بعد فنی ۰/۷۹ و بعد سیاست گذاری ۰/۸۳. به دست آمد.

جدول ۳. پایایی خرده مقیاس‌ها بر اساس آلفای کرونباخ

ضریب	ابعاد
۰/۷۶	اجتماعی- فرهنگی
۰/۸۳	اقتصادی
۰/۸۰	آموزشی-مدیریتی
۰/۷۸	روان‌شناختی
۰/۷۹	فنی
۰/۸۳	سیاست‌گذاری

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش نشان داد که از تعداد ۳۵۸ زن مشارکت کننده در تحقیق ۴۰/۷۸ (۱۲۶ نفر) خانه‌دار، ۵۵/۵۹ درصد شاغل (۱۹۹ نفر) و ۳/۶۳ کارگر فصلی (۱۳ نفر) بودند؛ بعلاوه از این تعداد ۲۰۰ نفر متأهل و ۱۶۸ نفر مجرد بودند. میانگین سنی آن‌ها ۵۱ سال، با حداقل ۲۰ و حداکثر ۶۰ سال می‌باشد.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای فرضیه‌ها

متغیر	زنان شاغل		زنان خانه‌دار	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
فرهنگی اجتماعی	۳۵/۴۷	۵/۳۲	۳۰/۴۵	۶/۶۶
اقتصادی	۲۴/۲۴	۵/۲۷	۲۰/۷۳	۳/۱۶
آموزشی-مدیریتی	۲۰/۱۷	۴/۵۷	۱۹/۴۹	۴/۰۶
روان‌شناختی	۱۶/۶۲	۲/۴۸	۱۳/۲۸	۳/۸۶
فنی	۱۶/۹۳	۳/۰۸	۱۳/۵۲	۴/۲۹
سیاست‌گذاری	۱۲/۶۷	۲/۴۶	۱۰/۱۸	۳/۹۸

جدول ۴ نشان‌دهنده میانگین و انحراف استاندارد مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی به تفکیک زنان شاغل و خانه‌دار است. بر اساس این شاخص‌ها بین زنان شاغل و خانه‌دار از لحاظ موانع در نظر گرفته شده، کم‌وبیش تفاوت‌هایی وجود دارد. فرضیه اصلی: بین زنان شاغل و خانه‌دار از لحاظ موانع روان‌شناختی، اقتصادی، آموزشی-مدیریتی، فنی،

سیاست گذاری و اجتماعی فرهنگی تفاوت معنی دار وجود دارد. برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش و پی بردن به معنی داری تفاوت بین میانگین ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. در جدول شماره ۵ آزمون های چند متغیره تحلیل کوواریانس محاسبه شده اند.

جدول ۵. آزمون های چند متغیره تحلیل کوواریانس

آزمون ها	ارزش آماره	F	درجه آزادی مفروضه	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۴۱۳.	۳۵,۲۴	۷	۳۵۰	۰,۰۰۱
لامبدای ویلکز	۵۸۷.	۳۵,۲۴	۷	۳۵۰	۰,۰۰۱
اثر هاتلینگ	۷۰۵.	۳۵,۲۴	۷	۳۵۰	۰,۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۷۰۵.	۳۵,۲۴	۷	۳۵۰	۰,۰۰۱

همان طور که مشاهده می شود، سطح معناداری هر چهار آزمون کمتر از ۰/۰۱ می باشد ($P=0/001$)، که نشان دهنده تفاوت، حداقل در یکی از موانع، بین گروه زنان شاغل و خانه دار می باشد. در ادامه جهت بررسی تفاوت دو گروه در مورد هر کدام از موانع ذکر شده، به طور جداگانه از نتایج تفکیکی تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. تحلیل آنووا موانع فرهنگی و اجتماعی

متغیر شغل	مجموع مجذورات	درجه آزادی میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
موانع فرهنگی و اجتماعی	۹/۵۱۹	۱	۹/۵۱۹	۰/۰۰۳	۰/۵۳۲
موانع اقتصادی	۱/۴۳۵	۱	۱/۴۳۵	۰/۹۹۹	۰/۰۲۳
موانع آموزشی مدیریتی	۸/۳۰۵	۱	۸/۳۰۵	۰/۰۴۸	۰/۴۲۴
موانع روان شناختی	۵/۲۷۹	۱	۵/۲۷۹	۱/۰۱۱	۰/۰۲۸۳
موانع فنی	۱۳/۷۲۲	۱	۱۳/۷۲۲	۰/۰۰۱	۰/۶۲۴
موانع سیاست گذاری	۸/۶۱۷	۱	۸/۶۱۷	۱/۶۸۰	۰/۰۳۱۹

* درجات آزادی این تحلیل برابر با ۱ است. بر این اساس مجموع و میانگین مجذورات برابرند. بر اساس نتایج جدول فوق تفاوت های گروه ها در بعد موانع فرهنگی و اجتماعی ($P=0/003$)، موانع آموزشی مدیریتی ($F=1/95, P=0/048$)، موانع اقتصادی ($F=0/264, P=0/999$)، موانع روان شناختی ($F=1/011, P=0/440$) و موانع سیاست گذاری ($F=1/68, P=0/084$) معنادار نیست. یعنی با اطمینان می توان گفت که بین زنان شاغل و خانه دار از لحاظ موانع اجتماعی و فرهنگی، آموزشی مدیریتی، فنی تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۷. تحلیل عاملی خرده مقایسه‌ای متغیرها

متغیر	خرده مقیاس‌ها	r	p
روان‌شناختی	ناتوانی در مقابله با مشکلات و رویدادها	۰/۱۰	۰/۲۸
	خستگی جسمی و روحی	۰/۱۱	۰/۱۹
	صدمه زدن به سلامت	۰/۱۱۱	۰/۲۷
	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری	۰/۱۲	۰/۳۰
	نابرابری‌های دستمزدهای زنان	۰/۱۱	۰/۲۲
اقتصادی	بهره‌کشی	۰/۱۰	۰/۲۷
	استثمار توانمندی‌های زنان در عرصه کار	۰/۱۱	۰/۳۱
	ناپایدار بودن فعالیت	۰/۱۰	۰/۲۸
	عدم تضمین آینده شغلی	۰/۱۱	۰/۱۹
آموزشی مدیریتی	کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی	۰/۳۸ ^{°°}	۰/۰۰۰
	تطابق شغل بامهارت و توانایی‌های زنان	۰/۳۷	۰/۰۰۰
	کسب تعالی	۰/۱۰	۰/۲۸
	مهارت پایین	۰/۱۰	۰۳/۲۸
فنی	کمبود آموزش و تخصص زنان	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰
	کمبود استفاده از امکانات تخصصی	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰
	نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
سیاست‌گذاری	نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
	تناسب نداشتن کار باعلاقه‌ی فرد	۰/۱۰	۰/۲۸
	ناامنی اجتماعی	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰
اجتماعی فرهنگی	محدودیت‌های اجتماعی	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰
	نگاه‌نه‌چندان مثبت به حضور زنان	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
	عدم موافقت خانواده	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
	وظایف زیاد زنان در خانواده	۰/۱۰	۰/۲۷
	اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان	۰/۱۱	۰/۳۱
	وابسته بودن زنان به نظرات همسر	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰
	عدم باور جامعه به توان زنان در امر اشتغال	۰/۱۱	۰/۱۹
نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	

نتایج جدول ۷ نشان داد که در بعد روان‌شناختی پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی است. در بررسی اقتصادی نابرابری‌های دستمزدهای زنان؛ استثمار توانمندی‌های زنان در عرصه کار؛ عدم تضمین آینده شغلی از مهم‌ترین موانع اشتغال هستند. در بعد آموزشی مدیریتی کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی؛ فنی کمبود آموزش و تخصص زنان مهم‌ترین عامل است. در بررسی بعد سیاست‌گذاری نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه و نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان مهم‌ترین موانع اشتغال زنان است و در بعد اجتماعی ناامنی اجتماعی مهم‌ترین عامل شناسایی شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی موانع اشتغال زنان در شهرستان زیرکوه انجام شد. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد میانگین موانع فرهنگی اجتماعی، آموزشی مدیریتی و فنی با یکدیگر اختلاف معنی‌دار دارند، بر این اساس متغیر فرهنگی-اجتماعی بالاترین امتیاز و سیاست‌گذاری دارای کمترین امتیاز است. همچنین نتایج تحلیل عاملی خرده مقیاس‌های نشان داد که در بعد روان‌شناختی پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی است. در بررسی اقتصادی نابرابری‌های دستمزدهای زنان؛ استثمار توانمندی‌های زنان در عرصه کار؛ عدم تضمین آینده شغلی از مهم‌ترین موانع اشتغال هستند. در بعد آموزشی مدیریتی کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی؛ فنی کمبود آموزش و تخصص زنان مهم‌ترین عامل است. در بررسی بعد سیاست‌گذاری نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه و نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان مهم‌ترین موانع اشتغال زنان است و در بعد اجتماعی ناامنی اجتماعی مهم‌ترین عامل شناسایی شد.

اسمعیلی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای نشان داد بین عقاید سنتی موجود در جامعه؛ تبعیض در امکانات؛ پایگاه اجتماعی زنان، فرهنگ مردسالاری؛ میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و اشتغال آنان رابطه معناداری وجود دارد و نیز نشان دادند که عوامل فرهنگی و اجتماعی در اشتغال زنان تأثیرگذار است. که همسو با نتایج این تحقیق است. همچنین نتایج پژوهش همسو با تحقیقات میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) است. غفاری (۱۳۷۷) نیز نشان داد کمبود کار برای زنان در جامعه بیشتر علت فرهنگی و اجتماعی دارد که با نتایج پژوهش حاضر همخوان است. حمایتی کلش (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران) نتایج آن نشان داد دیدگاه جامعه باید نسبت به اقشار مختلف زنان، تغییری بنیادی و اساسی کند که در این رابطه، اولین و مهم‌ترین گام، اقدام برنامه‌ریزان و کارشناسان مربوط به «آموزش تواناسازی زنان» خواهد بود، چراکه این امر کلید فقرزدایی از جامعه زنان می‌باشد و ویژگی‌های شخصیتی؛ عوامل محیطی؛ و عوامل شبکه‌ای بر کارآفرینی زنان تأثیر دارد.

در جهان زنان فقیرتر از مردان هستند. تقریباً ۹۸۵ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و تقریباً ۷۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند (بانک جهانی، ۲۰۰۷؛ به نقل از حمایتی کلش، ۱۳۸۹). مشکل اشتغال زنان در ایران ریشه‌ای بوده که در آن فرهنگ، رسوم و عادات دست دارند. این ارزش‌های ایرانی مذهبی گاه مطلوب و گاه بیش از حد بازدارنده‌اند. در کنار عوامل فرهنگی می‌توان از مسائل اجتماعی اقتصادی و سیاسی هم یاد کرد. والدین به‌طور دلخواه و بر اساس ارزش‌های خویش فرزندان را تربیت می‌کنند و هرگز به شخصیت‌سازی آنان توجه کافی مبذول نمی‌گردند و انسان‌هایی با اندیشه‌های گذشته‌گرا و سنتی به جامعه پراز تغییر و تحول فردا گام می‌گذارند و در این راه جابجایی ارزش‌ها آن‌ها را رنج می‌دهد. یک مثال بارز فضای کنونی است که اشتغال را برای زنان ایجاب کرده، که با ارزش‌های درونی و بیرونی زنان و خانواده‌هایشان در تضاد قرار می‌گیرد (حمایتی کلش، ۱۳۸۹).

قادرمرزی، جمشیدی، جمینی و نظری سرمایه (۱۳۹۴) معتقد است که در بعد اجتماعی - فرهنگی، سه متغیر ناامنی اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار، عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کار

کسب و کار و تجارب و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارب در مقابل عدم باور جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی، اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت و وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان در جامعه است. که مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر است، لذا در این مورد با فرهنگ سازی بیشتر از طریق برگزاری رده‌های آموزشی در سطح روستا، سخنرانی در جلسات عمومی، انتشار پوستر و بروشور و ... می‌توان حضور زنان در عرصه اشتغال و تولید را بیشتر نمود.

در بعد موانع اقتصادی حمایت و پشتیبانی بیشتر خانواده و دولت از زنان در عرصه‌های مختلف؛ تعیین سطح حقوقی برابر با مردان در جامعه؛ معافیت از مالیات‌ها؛ تخصیص امتیازات ویژه به زنان در مقایسه با مردان می‌تواند موانع اشتغال زنان را به حداقل برساند. همچنین در بعد آموزشی مدیریتی با ایجاد کسب و کارهای جدید در بین زنان و افزایش دانش فنی و مهارت تخصصی زنان از طریق برگزاری رده‌های آموزشی در زمینه ارتقای مدیریت زمانی و استفاده بهینه از فرصت‌های موجود، ارتباط عینی و ملموس زنان با کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های صنعتی، فنی و حرفه‌ای می‌تواند در تعدیل موانع مذکور مؤثر باشند.

بررسی عوامل روان‌شناختی نشان می‌دهد پایین بودن سطح ریسک‌پذیری زنان نسبت به مردان و ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات و رویدادها در اشتغال زنان تأثیر سویی دارد لذا می‌توان با آموزش مهارت‌های روان‌شناختی مانند جرات ورزی این موانع را از سر راه اشتغال زنان رفع نمود. بررسی بعد فنی نیز نشان داد مهارت پایین در استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین می‌تواند بر اشتغال زنان تأثیر داشته باشد لذا ارائه فن‌های آموزشی جهت آشنایی با تسهیلات می‌تواند در رفع این موانع مؤثر واقع شود. در بعد سیاست‌گذاری نتایج قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که نبود جایگاه مناسب زنان به ویژه زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور مهم‌ترین مانع اشتغال و کارآفرینی زنان است، بنابراین توجه بیشتر به نقش زنان در برنامه‌های توسعه به ویژه زنان روستایی در ارتقای جایگاه فعلی آن‌ها می‌تواند مؤثر باشد. در تحقیق حاضر مانند کلیه تحقیقات محدودیت‌های وجود داشت از جمله آن‌ها می‌توان به عدم همکاری برخی از آزمودنی‌ها اشاره کرد و همچنین خود گزارشی بودن ابزار تحقیق و محدود بودن جامعه آماری به زنان شهرستان زیرکوه؛ بر این اساس پیشنهاد می‌شود از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات مانند مصاحبه، مشاهده و ... نیز استفاده شود و این تحقیق در جوامع بزرگتر و با نمونه آماری بیشتر انجام گردد تا قابلیت تعمیم‌پذیری آن افزایش یابد هم‌چنین پیشنهاد می‌گردد مسئولین از نتایج این تحقیق جهت رفع موانع اشتغال زنان و ارتقای موقعیت اجتماعی آن‌ها بهره‌برده و در توسعه کشور زنان را مشارکت بیشتری دهند.

منابع

- اسمعیلی، سرور. (۱۳۹۰). بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه راهکارها. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پور رجب، پیمان؛ آزاد منش، شهرام و محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). نگرشی جامعه‌شناختی به انگیزه‌های شروع کسب کار در زنان کارآفرین روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱-۱۵.

- ترکمانی، جواد و میرزایی، مهنوش. (۱۳۷۸). تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی همراه با دستمزد، روستا و توسعه، ۳(۱۲): ۹۷-۸۱.
- تولایی، نسرين. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. در مجموعه مقالات کارگاه آموزشی، توسعه مشارکت زنان/ برگزار کنندگان دانشگاه علامه.
- حسین آبادی، فاطمه و عبداللهی، فائزه. (۱۳۹۳). اشتغال زنان و نقش آن در توسعه اقتصاد کشور، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، قم، انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین.
- حمایتی کلش، سواد. (۱۳۸۹). مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۵: ۱۷۱-۱۸۸.
- روشن‌نیا، داوود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیلا و صلحی فام اصل، ژیلا. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیتهای آنان. ماهنامه اجتماعی اقتصادی علمی فرهنگی کار و جامعه، ۱۶۰، ۸۲-۹۸.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری ۱۳۸۵. مجله مطالعات زنان، ۱(۳): ۳۲-۹.
- عزیززاده، مرجان. (۱۳۹۰). نقش اشتغال زنان در توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۲(۵): ۴۹-۵۹.
- عمادی، محمدحسین. (۱۳۸۰). تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان. مجموعه مقالات زن و مشارکت سیاسی و اجتماعی. تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور مشارکت زنان، ۱۹-۲۳.
- غفاری، مریم. (۱۳۷۷). زنان اشتغال یا خانه داری کدامیک؟ تهران: روزنامه همشهری، ۶(۱۵۲۱): ۵-۱.
- غلامعلی زاده، ثمیه و رضایی مقدم، کورش. (۱۳۸۸). چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۲۵.
- قادرمرزی، حامد؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود و نظری سرمازه، حمید. (۱۳۹۴). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان شلیل شهرستان اردل). فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۵(۱۷): ۱۱۸-۱۰۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). گزارش مرکز آمار از وضعیت اشتغال در شهرستان زیرکوه.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). گزارش مرکز آمار از وضعیت اشتغال در ایران.
- میرک‌زاده، علی اصغر؛ علی آبادی، وحید و شمس، علی. (۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۲): ۱۶۵-۱۴۷.
- نجفی کانی، علی اکبر؛ حسام، مهدی و آشور، حدیثه. (۱۳۹۳). سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، مورد مطالعه: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان، فصل نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۰): ۳۷-۵۶.

- Azahari, D. H. (2008). Indonesian ruralwomen: The roleinagricultural development”. Analisis Kebijakan Pertanian, 6(1): 1-10.
- Damisa, M. A., & yohamma, M. (2007). Role of rural women in farm management decision making process: Ordered Probit Analysis. World Journal of Agricultural Sciences, 3(4): 543-546.
- Hoque, M., & itohara, Y. (2008). participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members of the micro-credit organizations in Bangladesh. Journal of social sciences, 4(3): 299-236.



The Study of the Most Important Barriers Affecting The Employment Of Rural

*M. Akhrati

** E. Ahangari

*** M. Tahan

Abstract

The purpose of this study was to investigate the most important barriers affecting the employment of rural women. The statistical population included all rural women in Zorkouh city in 2017 (19737 individuals according to the latest census); 358 of them were selected using simple sampling method. The research design was comparative descriptive. The data were collected by implementing a researcher-initiated questionnaire for measuring the barriers of women's employment. To analyze the data, multivariate analysis of variance was used. The results showed that there was a significant difference between employed and housewives in social and cultural barriers ($P = 0.003$), educational management barriers ($P = 0.048$) and technical barriers ($P = 0.001$), but there was no any significant difference in economic barriers ($P = 0.999$), psychological barriers ($P = 0.440$) and policy barriers ($P = 0.084$).

Keywords: employment, employment barriers, rural women, Zorkouh city.

* lecturer, Department of Psychology and Educational Sciences, Payame Noor University, Kashmar, Iran.

**lecturer, Department of Psychology and Educational Sciences, Payame Noor University, Kashmar, Iran.

***Young and Elite Researchers Club, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran (Corresponding author, email: t.mohammad2@gmail.com).